

محمد عالم افتخار

یاد داشت هایی از یک سفر (بخش 16)

راز های پشت شکوه جشن های مذهبی در
هند و جهان !





سیمای خورشید مخصوصاً از روز 24 اکتوبر تا همین صبح (28 اکتبر) در آسمان دهلی جدید و لآبد سراسر هندوستان؛ آماسیده و سرخ بود که تا مرز جگری و سیاهی ی نسبی نیز پیش رفت .

علت اساسی همانا دود ناشی از ترقه ها و فشفشه ها و پتاقی های بیحد و حسابی بود که به مناسبت جشن بزرگ «دیوالی» انفجار داده میشود ؛ این علت به حدی اساسی است که بنده طی 7 ماه سپری شده حتی در یک روز دیگر که آسمان اساساً صاف میبوده ؛ چنین فضای مکدری را در دهلی شاهد نبوده ام و دیگر اینکه همین صبح که امواج انفجار ها فروکش کرده است ؛ خورشید این شهر بزرگ به ما سلام طلایی میدهد . با اینکه هنوز دود هست و صرف رقیق تر گردیده !



اینکه در بدن آدم ها و حیوانات ؛ از این آلوده گی ی هوا و بی آفتابی ی نسبی چه فعل و انفعالات مخرب حادث گردیده است ؛ قابل اندازه گیری نیست ولی بنده شخصاً به چنان حساسیت و آزردگی گوش و اعصاب شنوایی دچار شدم که در عمر 60 ساله ام نظیر نداشت و حتی در 8 ماه جنگ های مجاهدین که در کابل - در جوار افشار دوم یعنی مکروریان اول - بودم و به بیماری های مختلفی گرفتار آمدم؛ نیز چنین چیزی تجربه نشده بود و اینهم در

حالی که اینجا تمام اوقات را در گوش خود پخته داشتیم و در شدت گرمب و گرمب ها و ترق و تراق ها گوش ها را با بنداز نیز محکم می بستیم .

اما به وضوح میدیدم که طراوات و جلایش و زیبایی ی درختان و پارک ها و گل ها و گیاه ها در همه جا به طرز سرسام آوری برباد میرود . اتفاقاً این روز ها هوای دهلی خیلی خشک است و حتی شبنم چندانی پیدایش نمی یابد .

یک حاشیئه علمی جهانشناختی که از این مشاهدات به دست می آید ؛ این است که بشر قدرت و ابزار هایی را در اختیار دارد که میتواند با استعمال چندین برابر بیشتر آنها منجمله اتموسفیر زمین را نابود کند و لهذا به حیات اعم از نباتی و حیوانی و بشری خاتمه بخشد! به وضوح ؛ نفع مادی از اینهمه را فقط فابریکات و سایر دست اندر کاران تولید و عرضه ترقه ها و فشفشه ها و پتاقی ها و دیگر لوازم عید «دیوالی» بردند که سر به میلیارد ها دالر خواهد زد .

ولی آیا این نفع با تخریباتی که بر محیط زیست و ایکوسیستم به بار آورد و سوء تأثیر هایی که بر مغز و اعصاب و روان تمام 1200 میلیارد نفوس خود هند و مهمانان متعدد خارجی ی این کشور ؛ بیماران قلبی و عصبی - روانی و از همه مهتر بر زنان حامله و کودکان آینده برجا گذاشت ؛ قابل مقایسه هست ؟

از جمله در گرماگرم آتشبازی ها و پتاقی منفجر کردن ها که خیلی های آن تا حد راکت های سکر 20 مجاهدین آی ایس آی و بالاتر غرش داشتند که در حوالی سالهای 1990 از چهار آسیاب و پغمان و سایر اطراف بر کابل شلیک میگردید؛ دوربین کمرهءبنده منظره آتی را هم ثبت کرد :



بر علاوه یادمان باشد : علماً به ثبوت رسیده که جنین های آدمی در نیمهء دوم رسش خود ؛ آواز های محیط را از طریق امواج صوتی که عایق های نازک بر رحم مادر را در می نوردند ؛ می شنوند و متناسباً از آنها متأثر میشوند و بدینجهت آواز های دارای امواج تند و شدید ؛ حتی آنها را میکشد و یکی از علل بزرگ بسیاری از سقط های جنین همین است که عوام آن را «ترس مادر و صبیان زده گی زن حامله» تلقی و توهم میکنند !

بنده ؛ تصورم این بود که با مراسم «راوون سوزان» در عید «دی شیره» (1) مراسم و مرایای «دیوالی» را هم پوشش داده ام و روز و شب دیوالی مقداری آتشبازی و رقص و ترانه ای را شاهد خواهیم بود و بس !
اما طئی 20 روز پسین میتوان گفت که گویا ملت بزرگ هند دیگر کار و مصروفیتی نداشتند و به قولی «100 کار هول را گذاشته» همه به «دیوالی» می اندیشیدند ، تدبیر میسنجیدند و تدارک میکردند .

رفته رفته سیمای شهر به کلی عوض گردید ؛ همه هیئ ترصد داشتند که کجا مانده تا چراغان شود ؛ بس بار ها که یک ترتیبات چراغانی نامرغوب جلوه میکرد یا از فلان سیال و شریک کمتر شکوه داشت لهذا همه چیز برهم زده میشد و دوباره و چند باره آراستن و چراغان کردن خانه ها و دکاکین و جاده های عمومی و مندیر ها و درخت های بخصوص و...و... از سر گرفته میشد .

مغازه های شیرینی فروشی و خوارو بار فروشی و منسوجات و هزار « شئی مصرفی » مدرن ! کاملاً دیگرگون شدند و هیئ فرمایشات بود که به انواع بی نهایت متنوع بسته بندی و گل زنی و آرایش میگردید تا تحفه های قناعت بخش و حریف کش و سیال اغفال کن بهتر و بالاتری آماده گردد .

با تمام تقاضا های چند برابر افزوده ؛ شگفت انگیزترین اخلاق هندی در خرید و فروش این بود که نه تنها قیمت ها چون کشور عزیز و مقدس و «اسلامی» در «اسلامی» ما افغانستان و دیگر کشور های «اسلامی» بالا نرفت بلکه همه چیز کم از کم با ده فیصد تخفیف هم عرضه میگردید !

اینکه عده ای مجبور و ناگزیر هم به خاطر هم رنگ جماعت شدن ؛ حتی قرض میکردند یا از تن و شکم خود و اولاده خود زده تحفه و تارتق و ابزار برگزاری «دیوالی» و از همه بیشتر و پیشتر ترقه و فشفشه و پتاقی تدارک میکردند ؛ غیر قابل فهم نیست ولی بیشترین ترتیبات باشکوه مندیر ها و جاده ها و گذرگاه های عمومی توسط ثروتمندان و ارباب تولید و عرضه « مواد مصرفی» دیوالی و یا هم شبکه های مافیایی آنسوتر ؛ تمویل و توسط نماینده گان آگاه یا نا آگاه همانها تشویق و تحریک میگردید. برای آنکه تصویری به دست آورید که این «اشیای مصرفی دیوالی» چه ها هستند ؛ به مناظر زیرین دقت فرمائید :









با تأسف که بنده نتوانستم اشیا و امتعه درون کاغذ پیچ ها و کارتن های گل زده و فیشن کرده متعدد تحفه ها را بدانم و تصویر بردارم و در موقعیتی هم نبودم که حد اقل یک تحفه از آنها نصیب من شود . معهذا تصور میکنم بهترین و پسندیده ترین مراسم « دیوالی » همانها بودند که دوستان و اقربا و عزیزان میان هم مبادله میکردند و فرزندان به این بهانه سراغ پدران و مادران و پدر کلانها و مادرکلانهای خود و همسران خویش را میگرفتند و شاید عشاق و نامزاد ها در تشدید و تشنید علایق و تعلقات خاطر خود ازین فرصت بهره برداری های بهینه میکردند...

رویهمرفته بنده وسوسه شدم حتی الامکان با مردم تماس بگیرم و به کنجکاوی ها پردازم . حتی برای دو روز یک ترجمان نسبتاً خوب را با معاش بلند استخدام نمودم . ولی چیزی بیشتر از آنکه در یاد داشت بخش 15 به عرض رسانیده ام دستگیرم نشد ؛ تازه جم غفیری از مصاحبه شوندهگان همان اندازه نیز معلومات نداشتند .

- «دیوالی» عید بزرگ هند است ، روز آمدن دوباره رام جی به خانه اش در ایودهینا ست !!

سوال : به این حساب که رام جی مانند من و شما یک آدم بوده !؟

جواب : لیکن روح خدا در او بوده !

سوال : چطور شما خود را قانع میسازید ؛ روح خدا در او بوده !؟

جواب : روح خدا و زور خدا بود که او توانست با شیطان «راوون» بجنگد و او را نابود کند.

سوال : و سیتا جی خانمش !؟

جواب : خانمش هم روح خدا داشت اگر نی خانم او نمی بود!

سوال : پس لازم نیست ؛ در باره هنومان جی پرسید ؛ همین میشود که در او هم روح خدا بوده و گر نه یار رام جی نمیگردید !!؟

جواب : معلومدار ؛ بدون روح خدا ...

سوال : شما میگوئید 33 کرور بگوان دارید ؛ همه اش همین قسم است یعنی روح یک خدا در همه وجود داشته یا روح چندین خدا !؟

جواب یکی : این را از پندیت صاحب ها (دانایان دین) پرسان کنید.

جواب دیگری : در اصل یک خداست و در شکل های مختلف ظاهر میشود .

جواب سومی : ما به چند تای خدا کار نداریم مقصد هرچقدر هست باید از ما خوش باشند. اگر خوش نباشند ما بدبخت و تباه میشویم !

جواب چهارمی : کل این ها از تیر شده گان ما میراث مانده ؛ آنها حتماً چیزی دیده و دانسته مارا گفته اند که اینطور کنید و آنطور نکنید !

جواب پنجمی : میدانم که تمام دین ها و بگوان های ما برحق استند ؛ وگر نه مردم اینطور برای آنها متفق نمی بودند .

سوال : شما میگوئید «راوون» شیطان بوده ؛ غیر ازین که سیتا جی را اختطاف کرده بسیار ظلم میکرده !؟

جواب : راوون اینطور ظالم بوده که میگفته من خودم خدا استم و مردم را برای پرستیدن دیگر خدایان نمی گذاشته !

سوال : پس او بر دیگر خدایان ظلم میکرده و پرستنده گانشان را از آنها میگرفته !؟

جواب : اینطور گپ زدن صحیح نیست ؛ راوون به همه ظلم میکرده !

سوال : یعنی هم به خدایان و هم به بنده گان !؟

جواب : به خدایان ظلم کرده نمیتوانسته با خدایان جنگ میکرده !

سوال : ببخشید ؛ چرا اینقدر خدایان باید زیاد باشند؟

جواب : به خاطریکه کار های دنیا و مردم که کم نیست . حالا مثلاً یک رئیس میتواند تمام کار های هند را اجرا کند . باز کارخدایان تنها کار های مردم نیست اونها تمام آسمان و زمین را باهم می چرخانند !

از این بیشتر با مردم مذهبی چه میتوان گفت ؟ اصلاً در تمام دنیا کس حاضر است بگوید یک ذره عقیده آن دیگری از من بهتر است ؛ یک ذره دوع من ترش است و سکهء من ؛ قلب ؟؟؟

کسانی که میگویند : «موجی سمج نهی» ؛ اکثریت مطلق اند و نهایت کلام شان همین است که ماتا و پاتا گفته ؛ پندیت ها میگویند و یا نیرومندتر از همه اینکه کل مردم میگویند و تمام مردم میکنند!!



اصلاً جایی که بتوان در بارهء باور و مذهب چون و چرا کرد ؛ اینجا نیست! ولی چنانکه در مورد «ژل گنگاماتا» (2) خاطر نشان ساخته ام برخی از باور ها و سنن و مراسم و رواج های مربوط به آنها نظر به تغییرات عظیمی که در آب و هوا و اقلیم و نفوس بشری و طرز ارتباطات و غیره میان افراد و جوامع بشری حادث گردیده است ؛ میتواند دیگر بسیار خطرناک و فاجعه آفرین باشد .

دولت و نظام اجتماعی ی هند در همچو موارد دست به اصلاحاتی زده و موفقیت های نسبی کسب نموده اند . حتی حکام استعمارگر انگلیسی وقتی تصمیم گرفتند رسم بسیار منحط و فوق

وحشیانه « سانهی» را ممنوع کنند؛ کردند و نظر غالب این است که از آن منع پس از انگلیس ها نیز چندان تخطی نشده است و نمیشود .



ولی بنده احساس می کنم که مشکل اساسی ؛ اصلاً وجدان مذهبی و اعتیادات سنتی نیست ؛ یک نیروی محرکهء مرموز ولی سخت عامل و زیرک و وسیع النظر و دور اندیش اینجا عمل میکند ؛ طبقات ممتازی که با روشن شدن جهان و بلند رفتن سطوح علمی و آگاهی و جهانشناسی جوامع آشکارا موقعیت های خود را در خطر می بینند ؛ نهایتاً نه فقط از امروز بلکه کم از کم از 500 سال بدینسو تلاش میورزند که در پناه معتقدات مذهبی توده ها برای خود استحکامات به وجود آورند .

این استحکامات همیشه هم حالت دفاعی ندارد ؛ بل تا جائیکه در کتاب های « کمیته 300» ، «بازی شیطانی» (3) و آثار مماثل و مصداق های آنها منجمله «تلک خرس» می بینیم ؛ از این استقامت نیروهای سیاسی و لشکر های اجیر جنگی درست میگردند که به تعرضات موفقانه سوق میشوند و پیشرفت های شگفتی انگیز بزرگی هم حصول میکنند . کتاب بنده « جنگ صلیبی یا جهاد فی سبیل الله!» که در انترنیت هست و مصداق ها و تجارب متراکم افغانستان و پاکستان و « دنیای آزاد» در زمینه را ؛ بررسی میکند ؛ از این نظر غنای بسیار دارد. (4)



بدینجهت اینهمه مدرنیزاسیون و شکوه و جلال خیره کننده بخشیدن به مناسبت های مذهبی چه در هند و چه در سایر حصص جهان شک پر انگیز است ؛ چونکه اینهمه ؛ نیروی اقتصادی فوق العاده و توان سازماندهی و تزییق امکانات فراوان نامرئی بر توده های مردم را می طلبد !

به دلایل نزاکت های سیاسی و دیپلماتیک در منطقه ؛ بحث را اینجا بیشتر نمی گشایم و در جای دیگر مستقلاً با تفصیل لازم و اسناد و شواهد و قراین ... به آن خواهیم پرداخت و آنگاه شاید به رأی العین ببینیم که تجزیهء خونین هندوستان بزرگ همزمان با استقلالش نیز ؛ عیارت از همچو یک دسیسه بود ؛ دسیسه ایکه نه تنها به گذشته تعلق نیافته بلکه با گذشت هر روز ؛ امروزی تر شده می رود!

خواهشمندم به تصاویری که برای این راپور برگزیده شده با دقت و کنجکاوی و وسواس بانسته نگاه کنید . ظاهراً چنین به نظر میرسد که مثلاً شمع یک چیز است که نه برای روشن کردن کلبه و محیط بلکه به مقاصد ناشناخته و جادویی و غیبی و لدنی به وجود آمده باشد . چرا که گویا امروز در برابر آن ؛ لایت ها و چراغ های هزار در هزار شمع و حتی نور افکن های به مراتب قوی تر؛ سیاهه ای بیش نیستند !



گویا به بهانه عقاید مذهبی و فلان و به همان همه خود را در برابر این حقیقت مسلم کر و کور انداخته اند ؛ که بشریت پیشرو و دانشمند و دانشمندار در تمدن امروز ؛ همان شمع و چراغ تیلی و پیه سوز هزارسال و 500 سال و حتی 200 سال پیش را به گروپ های ادیسنی و نیون ها و دیگر چراغ قوه های زیبا و درخشان تحول داده و به جز ماده شمع و پیهء حیوانات و روغن نباتات ؛ برق و الکتریسته را در انواع و درجات مختلف برای تبدیل شدن به نور و حرارت و حتی برودت فراوان مساعد گردانیده اند .

لذا اینک همانگونه که خودمان حاضر نیستیم جز در حالت نهایت مجبوریت ؛ در نور خفیف شمع و چراغ پیه سوز کار و زنده گی کنیم نباید روا دار باشیم که خدایان مان را مانند دوران های عتیق با تقدیم شمع و چراغ پیه سوز - در واقع - اهانت کنیم !

روشن کردن شمع ها - آنها در زیر قوی ترین چراغ ها و روشنی افکن های برق - احتمالاً از آن هم گذشته خود را مسخره کردن است و الا فقط نشان میدهند که به لحاظ عقلی و منطق و محاسبات معاصر بشری ؛ ما محکوم عقب مانده گی ذهنی و بیماری ی روحی «**کودک مانده گی**» هستیم .

مگر چه کسی جز مدعیان رهبری مذهبی و خدانشناسی و مسئولیت معابد و اماکان و مناظر و مرایای ایمانی ؛ پاسخگوی این «**کودک نگهداشته گی**» ی مردم است ! آیا آنها به راستی زیر کاسه نیم کاسه ای ندارند ???



مگر از چند سال به اینطرف مقدور و میسر شده که « دیوالی» یا دیگر مراسم و نمایشات مذهبی چنین ملزومات و افزوده ها داشته باشد؟؟
آیا در روز های رام جی در ایودهیانا هم چنین بود ؛ میتوانست چنین باشد؟؟
آیا سیتا جی مگر مانند بی بی خدیجه کبرای مسلمانها جز شمع و چراغ پیه سوز ؛ روشنی انداز دیگر را دیده بود ؛ میتوانست دیده باشد؟؟
آیا تا بوده چنین بوده؟
آیا در مذاهب سخن از زمان و مکان و تطورات و تحولات اصلاً نیست .
نه بابا ؛ این ها تحجرات مذهبی نما استند . بشریت باید خود را تکان دهد و الا خدایانش را به مضحکه های بیحد و حصری مبدل میکند!
کما اینکه بسی ها مبدل کرده اند !







در هر حال این «دیووالی» ایست که با استفاده و نیز سوء استفاده از امکانات تمدن معاصر آنهم در قرن 21 راه اندازی گردیده و با تأسف که یک اختلاط مغلوط و مغشوش عجیب و بعضاً تحمل ناپذیر را از عادات قرون وسطی و دستاورد های عصر حاضر نشان میدهد که چندان عاری از سیاست و کیاست و جادوگری و عوامفریبی و تخدیر و تحمیق به نظر نمی آید !

بنده شاهد برگزاری ی جشن استقلال و روز ملی هندوستان نیز بودم . هیچ چیزی از این شکوه پرشش بر انگیز جشن عودت راجازاده اسطوره ای ایودھیانا به خانهء پدری ؛ در آن روز های فوق العاده و سراسر ملی وجود نداشت .

روز های گرامیداشت خونبهای ملیونها قهرمان قربان شده برای هند مستقل که حتی همین «دیووالی» در بدل همان قربانی ها و رشادت ها نصیب امروزیان

هندوستان مستقل و آزاد و دموکراسی ی بزرگ دنیا و قدرت اقتصادی شگوفان منطقه گردیده است !!



رویکردها :

- (1) ویبسایت هاتی محترم لینک خود را به عوض اینجا قرار دهند .
<http://www.nuroddin.de/artikel%20von%20aleme%20eftekhar/reise%20memorien%2015/reise%20memorien%2015.pdf>
- (2) <http://www.ariaye.com/dari8/images/eftekhar.pdf>
- (3) <http://www.rahetudeh.com/rahetude/baziye-sheyhani/html/aghaz-baziye-sheyhani.html>
- (4) <http://www.ariaye.com/ketab/jehad/jehad.html>

محمد عالم افتخار